

داشته و من به آن روشنفکری نقطه‌ای می‌گویم، در حالی که باید از روشنفکری روزانه یا آفتابی برخوردار باشیم تا همه جا را برایمان روشن کند و سیال باشد. منظورم از روشنفکری این نیست که پسان‌شبی و چند ستاره باشد، که در باقی‌تام از روشنفکر، حضور موثر فردی در جامعه است که بتواند مشکلات جامعه را با راهکار نشان دهد. وجود نوسانی روشنفکری در ایران موجب شده است مادر پی ستاره باشیم؛ وضعیتی که امروز ما بر آن داشته‌است در تیم‌های هنری و ورزشی که هنوز نیز به دنبال ستاره یا قهرمان بگردیم. این رویکرد موجب شده است این نکته را فراموش کنیم که رویکرد بازیکنان یک تیم در بازی‌های دسته‌جمعی، مهم است نه این که فردی در میان آن‌ها به عنوان ستاره بدرخشد. این شیوه کنش موجب شده است جامعه ما همواره در پی رویکردهای انفرادی باشد و چندان به کارکردهای دسته‌جمعی روی نیابد، چنین رویکردی، از میل گریز از اجتماع و تمایل به فردگرایی در نهاد ایرانی برمی‌خیزد. بنابراین گرایش مسا به کارهای جمعی، به حضور فعال روشنفکری در جامعه بازمی‌گردد؛ نه البته روشنفکری که مانند یک ستاره در برهه‌های نمایان می‌شود. در بازمیر کبیر یا قائم مقام‌فرهانی باید بگویم آن‌ها ستاره‌هایی بودند که در یک دوره ظهور کردند و جامعه را به سوی بهتر شدن سوق دادند. همچنین، پیداشدن چنین ستاره‌هایی که توانستند تیم‌نگاهی به تغییر شرایط زندگی مردم داشته باشند، موجب شده است ما همواره به دنبال ستاره باشیم. چنین رویکردی نشان می‌دهد جامعه ما به بیداری و فعالیت‌های مشترک اعتقادی ندارد، در حالی که همیشه نباید منظر ستاره بود، خود مردم یک جامعه باید برای تغییر شرایط آن متحد شسوند و آن را به سوی خود بهتر سوق دهند. بازخوانی تاریخ ایران نشان می‌دهد در فعالیت‌های مشترک مانند حرکت مشروطه که مردم و روشنفکران در یک راستا حرکت کردند، اقداماتی مشترک برای تغییر ساختار جامعه صورت گرفت اما در ادامه ناکام ماند. در توجیه این ناکامی شاید بتوان گفت درون هر ایرانی یک شاهک وجود دارد که اگر فرصت بروز پیدا کند، به شاه تبدیل می‌شود.

آیا از نظر روان‌شناسی تاریخی، این شاهک ایرانی در دوره‌های گذشته نیز وجود داشته است؟

می‌خواهم از جنبه رفتارشناسی به این مساله بنگرم، بنا به روایت‌های قرآنی، ما نفسی آماده داریم که اگر محدود نشود، این شاهک نیز کنترل خواهد شد. توصیه‌های قرآنی در رفتارشناسی نیز صدق می‌یابد، یعنی تربیت جامعه از تربیت نفس از خود آغاز می‌شود. زیرا وقتی در نهاد خانواده یک پدر یا مادر خوب باشیم، می‌توانیم در جامعه نیز با مهربانی با دیگران رابطه برقرار کنیم. در صورتی که در جامعه همیشه کوشیده‌ایم به جای خود، دیگران را اصلاح کنیم. انسان البته به‌نظم بیشتر تر به بدی گرایش دارد و این از نفس آماده برمی‌آید. اگر به گذشته بنگریم، افرادی در جامعه ما توانستند به عنوان یک الگو یا فرد موفق و دلسوز مطرح شوند که از اختیار چیزی بی‌نفس‌شان نگذاشتند. این گونه نبوده است که آن‌ها افرادی جدا از جامعه و با دیگر افراد بسیار متفاوت باشند. آن‌ها نیز از میان همین جامعه ایرانی رشد کرده، با خستگی و کوشیده‌اند حرکتی اصلاحی انجام دهند تا برای همه زوارند و به سسر انجام برسانند؛ هر چند گام‌هایی کوچک که برای اصلاحگری در جامعه ایرانی همواره بر داشته شده، دست‌انگشته است. **به مساله واردات بازرگاریم که در سفرنامه‌های عهد صفوی و قاجار نیز به آن اشاره شده است. امروز نیز خارجی‌هایی که به ایران می‌آیند از گرایش ایرانیان به کالاهای خارجی تعجب می‌کنند و معتقدند این تمایل به بهره‌گیری از کالاهای آنان حتی بیش از مردمان خود کشورهای تولیدکننده است. بنابراین حکایت مسیاحان نشان می‌دهد این وضعیت از گذشته وجود داشته است. این گرایش در آن زمان چه دلیل می‌تواند داشته باشد؟**

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

گرایش به کالای وارداتی چه پیامدهایی در رفتار ایرانیان به جای گذاشته است؟ خودباختگی یکی از رفتارهایی است که در اثر گسترش بهره‌گیری از کالاهای خارجی در جهان رسوم پدید می‌آید. زمانی که خوراک، پوشاک و لوازم منزل، وارداتی باشد، آرام‌آرام رفتار و سلوک فرد نیز به سلوک خارجی‌ها درمی‌آید؛ رفتاری که مصداق این ضرب‌المثل است «از کوزه همان بیرون تراود که در لوت» کسانی که در خارج تحصیل کرده‌اند نیز طبیعتاً در گرایش به سوی مصرف کالاهای خارجی بی‌تأثیر نیستند زیرا اگر رفتار آن‌ها درونی نشده و به گونه‌ای خودباختگی دچار شده باشند، پس از حضور در جامعه خود رفتار جامعه غربی را بازمی‌تابانند و این رفتار، گرایش به سوی مصرف کالاهای خارجی را در پی دارد.



گروهی از روشنفکران و روشنفکران در دوره قاجار - عکس از آرشیدمشیرخان زان در عصر قاجار عکس تاریخی است

بررسی روان‌شناسی تاریخی مصرف‌گرایی در ایران در گفت‌وگو با دکتر غلامحسین باهر

سازش کاری تاریخی ایرانیان

نگاه تاریخی ایرانیان به زندگی موجب شده است تلاشی جدی برای تغییر زندگی نکنند
رواج روحیه شعر و شاعری در میان ایرانیان از روحیه راحت‌طلبی آنان برآمده است

این سرزمین به کالاهای وارداتی، بر آن شدیم کم و بیش همه هویت جمعی و تاریخی دارند، به عنوان مثال پهلوی یا پارس یا حتی اعراب‌ها، تهران است، عامیانه کم کاری و تنبلی و عدم خلاقیت یا... نامیده می‌شود. همه ریشه‌های رفتاری هنجاری سنتی دارد و هم علل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد و هم ریشه‌های معرفتی گذشته از جمله کلام و اخلاق که آشنایی با آنها کمک ارائه راه حل برای اصلاح آن است.» برای آگاهی از رفتار ایرانیان در گذر تاریخ با تکیه بر گرایش قابل توجه مردمان

شاید بازنگری سطرهایی از کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» اثر علی راضقی تاندان‌زاده پاسخ‌گوی این مساله باشد «با کم‌کم اغماض می‌توان گفت که تمامی مشکلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی ایران و آنچه در مجموع عقب‌ماندگی نام گرفته است، ریشه‌های تاریخی دارند و رفع یا تخفیف آن مشکلات هم بدون مراجعه به ریشه‌های تاریخی و شناخت دقیق آن به احتمال زیاد غیرممکن است. فعالیت‌های اقتصادی یکی از فعالیت‌های اصلی بشر در عرصه زندگی اجتماعی است. اول اجتماعی

شاید بازنگری سطرهایی از کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» اثر علی راضقی تاندان‌زاده پاسخ‌گوی این مساله باشد «با کم‌کم اغماض می‌توان گفت که تمامی مشکلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی ایران و آنچه در مجموع عقب‌ماندگی نام گرفته است، ریشه‌های تاریخی دارند و رفع یا تخفیف آن مشکلات هم بدون مراجعه به ریشه‌های تاریخی و شناخت دقیق آن به احتمال زیاد غیرممکن است. فعالیت‌های اقتصادی یکی از فعالیت‌های اصلی بشر در عرصه زندگی اجتماعی است. اول اجتماعی

شاید بازنگری سطرهایی از کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» اثر علی راضقی تاندان‌زاده پاسخ‌گوی این مساله باشد «با کم‌کم اغماض می‌توان گفت که تمامی مشکلات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی ایران و آنچه در مجموع عقب‌ماندگی نام گرفته است، ریشه‌های تاریخی دارند و رفع یا تخفیف آن مشکلات هم بدون مراجعه به ریشه‌های تاریخی و شناخت دقیق آن به احتمال زیاد غیرممکن است. فعالیت‌های اقتصادی یکی از فعالیت‌های اصلی بشر در عرصه زندگی اجتماعی است. اول اجتماعی

پیش‌بینی او اکنون درست تعبیر شده و وضعیت کنونی ما بر گرفته از آن است که کنش ما در رویارویی با اقوام مهاجم درست نبوده است. درباره سازش کاری ایرانی، همانگونه که اشاره کردید، بخشی از آن ناشی از جغرافیای سیاسی بوده و ما در آن مقصر نبودیم و نقش نداشتیم. مثلاً پس از حمله مغول با یک فترت طولانی در زمینه اجتماعی روبه‌رو می‌شویم و معروف است پس از این حمله فرقه‌های عرفان و تصوف گسترش می‌یابند. بنابراین بخشی از این مسایل از اراده ما بیرون بوده است.

پیش‌بینی او اکنون درست تعبیر شده و وضعیت کنونی ما بر گرفته از آن است که کنش ما در رویارویی با اقوام مهاجم درست نبوده است. درباره سازش کاری ایرانی، همانگونه که اشاره کردید، بخشی از آن ناشی از جغرافیای سیاسی بوده و ما در آن مقصر نبودیم و نقش نداشتیم. مثلاً پس از حمله مغول با یک فترت طولانی در زمینه اجتماعی روبه‌رو می‌شویم و معروف است پس از این حمله فرقه‌های عرفان و تصوف گسترش می‌یابند. بنابراین بخشی از این مسایل از اراده ما بیرون بوده است.

پیش‌بینی او اکنون درست تعبیر شده و وضعیت کنونی ما بر گرفته از آن است که کنش ما در رویارویی با اقوام مهاجم درست نبوده است. درباره سازش کاری ایرانی، همانگونه که اشاره کردید، بخشی از آن ناشی از جغرافیای سیاسی بوده و ما در آن مقصر نبودیم و نقش نداشتیم. مثلاً پس از حمله مغول با یک فترت طولانی در زمینه اجتماعی روبه‌رو می‌شویم و معروف است پس از این حمله فرقه‌های عرفان و تصوف گسترش می‌یابند. بنابراین بخشی از این مسایل از اراده ما بیرون بوده است.

پیش‌بینی او اکنون درست تعبیر شده و وضعیت کنونی ما بر گرفته از آن است که کنش ما در رویارویی با اقوام مهاجم درست نبوده است. درباره سازش کاری ایرانی، همانگونه که اشاره کردید، بخشی از آن ناشی از جغرافیای سیاسی بوده و ما در آن مقصر نبودیم و نقش نداشتیم. مثلاً پس از حمله مغول با یک فترت طولانی در زمینه اجتماعی روبه‌رو می‌شویم و معروف است پس از این حمله فرقه‌های عرفان و تصوف گسترش می‌یابند. بنابراین بخشی از این مسایل از اراده ما بیرون بوده است.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.

اشاره کردم که این استثناها را باید کنار بگذاریم. درباره تمایل به کالاهای خارجی در گذشته باید بگویم این رفتار ریشه در قشر اشراف جامعه داشته است که برخی از کالاهای وارداتی را می‌خریدند و امروزه این کالاها در موزه‌ها نگهداری می‌شود. گرایش به اینگونه کالاها در آن زمان اما ویژه اشراف جامعه بوده و یک روستایی دورافتاده توانایی خرید چنین کالاهایی را نداشته است. در حالی که در موزه‌های ما کالاهایی لوکس مانند ساعت طلا، گلدان‌های شیک و ظروف طلا به نظر دیده می‌شود. بنابراین تبادل کالای خارجی در ایران به شکل امروزه نبوده که استفاده از کالاهای خارجی یک تخاصر به شمار می‌آید و در سطحی گسترده رواج داشته باشد. صادرات کالا در جامعه ایران البته روندی پیچیده و پرزحمتی دارد که سودی چندانی نیز نصیب افراد نمی‌کند اما واردات این‌گونه نیست و می‌توان با وارد کردن کالا از سودی بسیار بهره‌مند شد.



دکتر غلامحسین باهر

دکتر غلامحسین باهر